

Economic Diplomacy of the Islamic Republic of Iran (With an emphasis on strengthening domestic production)

Reza Parizad¹

Hamid Mazinani²

ABSTRACT

While Iran's economy has relied on oil revenues, the government, parliament, judiciary, and knowledge-based companies are trying to increase domestic production to boost the economy. This study focuses on the purpose and method of conducting this research. This study uses the analytical-descriptive and necessary data collected by the library method to investigate the role of international economic policies in achieving domestic production strengthening. Several economic sanctions have been imposed on Iran by its enemies since 1978, and this has caused the country serious damage. As a result, policymakers in Iran have a heavy responsibility to constructively interact and pave the way for its economy to flourish. Counteract the enemy's tricks and attain the position envisaged in Vision 20. In this regard, strengthening the domestic economy can meet domestic requirements, but attention to international interaction and cooperation is important to strengthen production in the country. In order to strengthen exports, reduce production costs, and increase investment, the production must be strengthened.

Keywords: Iran, International Economy, Sanctions, Production, Economic Diplomacy

¹ Assistant Professor of Political Department, Qom Azad University. Iran.

R_Parizad@yahoo.com

² PHD student in Sociology, Qom Azad University, Qom Azad University,
Iran.

H.Mazinan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 3, No 10, Winter 2022

سال سوم، شماره ۱۰، پاییز ۱۴۰۰

ppt 109-129

صفحات ۱۰۹-۱۲۹

بررسی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر تقویت تولید داخلی)

رضا پریزاد^۱

حمید مزیبنانی^۲

چکیده

اقتصاد ایران متکی بر درآمدهای نفت بوده است اما برای شکوفایی اقتصادی و کاهش وابستگی به نفت تلاش دولت، مجلس، قوه قضاییه و شرکت‌های دانش بنیان و... در راستای تقویت تولید داخلی بوده است. در این پژوهش که از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش پژوهش، تحلیلی-توصیفی و داده‌های لازم با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است به دنبال پاسخ به این پرسش است که نقش سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی در نیل به تقویت تولید داخلی چیست؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که دشمنان انقلاب اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ با انواع تحریم‌های اقتصادی، تلاش داشته‌اند تا به کشور آسیب برسانند و بنابراین سیاست‌گذاران کشور وظایف سنگینی بر دوش داشته که با تعامل سازنده و راهگشا تا اندازه‌ای ترفندهای دشمن را خنثی کرده و به جایگاه پیش‌بینی شده در سند چشم‌انداز ۲۰ برسند. در این راستا تقویت اقتصاد داخلی می‌تواند نیاز داخل را تامین کند اما توجه به تعامل و همکاری‌های بین‌المللی نقش مهمی را جهت تقویت تولید به لحاظ تقویت صادرات، کاهش هزینه تولید و سرمایه‌گذاری ایفا میکند

واژگان کلیدی: ایران، اقتصاد بین‌الملل، تحریم، تولید، دیپلماسی اقتصادی

^۱ استادیار گروه سیاسی دانشگاه آزاد قم. ایران (نویسنده مسئول)

R_Parizad@yahoo.com

^۲ دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد قم. ایران

مقدمه

در حالی که با اعمال تحریم‌های فلج‌کننده از زمان روی کار آمدن ترامپ جهت رشد اقتصادی تمرکز بیشتری بر روی تقویت تولید داخلی شده است اما با شیوع بیماری کرونا تعطیلی اجباری بسیاری از بنگاه‌های تولیدی و کاهش فعالیت‌های تولیدکنندگان نیز رقم خورده است؛ بنابراین در ظاهر به نظر می‌رسد که رسیدن به تقویت تولید دور از دسترس به نظر می‌رسد بویژه آنکه کار تولیدی نیاز به منابع مالی دارد و سیستم پولی و مالی کشور به دلیل تحریم‌ها و کاهش درآمدهای حاصل از فروش نفت و همچنین کاهش شدید سرمایه‌گذاری خارجی به واسطه‌ی ترس از تبعات همکاری با ایران، اوضاع مساعدی نداشته و این از چالش‌های مهم بر سر راه تحقق این برنامه است. ایران به عنوان یکی از کشورهای صاحب ذخایر و منابع بالقوه و بالفعل تاکنون نتوانسته آن‌گونه که شایسته است از جایگاه مناسب و مطلوبی در عرصه اقتصاد بین‌المللی برخوردار گردد. در یک بعد دیگر باید گفت تولید داخلی با فروش و صادرات نیز ارتباط دارد بدین ترتیب، اهمیت و ضرورت رابطه تولید و اقتصاد منجر به آن شد که پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش باشد که نقش سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی در نیل به تقویت تولید داخلی چیست؟ فرضیه مقاله این است که با در نظر گرفتن تحریم‌ها و فشا راقصدی، تقویت اقتصاد داخلی منجر به کاهش تأثیرات منفی آن شده و سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش هزینه تحریم، تقویت اقتصاد داخلی و زمینه‌های رشد صادرات و سرمایه‌گذاری را فراهم سازد. در پژوهش حاضر که از نوع تحلیلی-توصیفی و باهدف توسعه دانش و تحلیل پدیده‌ها و پیشنهاد راهکارهایی جهت نیل به هدف پژوهش و از این لحاظ، از نوع کاربردی می‌باشد، با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به گردآوری اطلاعات لازم در خصوص سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی جمهوری اسلامی و مبانی جهش تولید پرداخته و داده‌های به دست آمده به صورت کیفی تحلیل و منتج به ارائه‌ی پیشنهادهایی خواهد گردید.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌ی تولید و تاثیر آن بر اقتصاد را می‌توان چنین برشمرد: در پژوهشی دیگر، کازرونی و همکاران (۱۳۹۵) اثر تحریم‌های اقتصادی بر ترکیب شرکای عمده‌ی تجاری ایران را طی دوره ۱۳۷۱-۱۳۹۲ مورد بررسی قرار داده، در راستای نیل به این هدف، ابتدا تحریم‌ها بر مبنای معیارهای ارائه‌شده توسط هافبائر در سه طیف ضعیف، متوسط و قوی تقسیم‌بندی و در قالب دو متغیر مجازی وارد مدل شده و سپس، تأثیر این متغیرهای مجازی (به همراه سایر متغیرهای مدل) بر سهم تجارت ایران با شرکای تجاری در قالب تجزیه و تحلیل هم‌انباشتگی پانلی ارزیابی شده است. براساس نتایج برآورد مدل در این پژوهش، اجرای تحریم‌های اقتصادی قوی موجب کاهش تجارت ایران با کشورهای گروه اول (کشورهایی با روند نزولی تجارت با ایران) هم در دوره اجرای تحریم و هم دوره بعداز آن شده، اما تجارت با کشورهای گروه دوم (کشورهایی با روند تجارت صعودی با ایران) تنها در دوره اجرای تحریم کاهش یافته است.

باقری، سیف و شهبازی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «الگوی پیشنهادی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در راستای عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی» با احصای نقش ابعاد حوزه اقتصادی دولت، سیاست خارجی و سازمان‌های عمل‌کننده بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، به این نتایج دست یافتند که بین الزامات اقتصادی دولت، الزامات سیاست خارجی و الزامات سازمان‌های عمل‌کننده رابطه‌ای قوی و معنادار وجود دارد و همه ابعاد سرمایه‌فکری به طور مثبت و معناداری روی دیپلماسی اقتصادی تأثیر گذارند و از میان ابعاد، الزامات سیاست خارجی بیشترین تأثیر را بر دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر عمق‌بخشی خارجی دارد.

آقایی و همکاران (۱۳۹۷) در «بررسی تاثیر تحریم‌های اقتصادی و تجاری بر روابط تجاری ایران و کشورهای شریک عمده‌ی تجاری» با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی پانل دیتا، به بررسی داده‌های آماری طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۴ پرداخته و نشان دادند تحریم‌های ضعیف

تأثیر منفی کمتری بر ارزش صادرات و واردات ایران طی دوره موردبررسی داشته اما تحریم‌های شدید و گسترده، تأثیر منفی قابل ملاحظه‌ای بر میزان صادرات و واردات کالاهای تجاری ایران داشته است؛ بنابراین اقدامات انجام شده برای کاهش یا لغو تحریم‌های شدید علیه ایران نظیر توافقنامه هسته‌ای (برجام)، می‌تواند به رونق روابط تجاری ایران و شرکای عمده تجاری منجر شود.

نوری یوشانلویی و اخوان طباطبایی (۱۳۹۷) در پژوهشی به «نقد موانع بین‌المللی و ملی حمایت از تولید داخلی و راهکارهای حقوقی آن» پرداخته و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و الزامات الحاق سازمان جهانی تجارت از یک سو و از سوی دیگر خلأها و ابهامات قوانین و مقررات جاری در کنار ضعف سیاست‌های اقتصادی را مانع بزرگی برای حمایت از تولید داخلی معرفی می‌کنند.

کریمی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «راهکار برونرفت از رکود اقتصادی پسا کرونا در سال جهش تولید» به اهمیت تضمین مالی و اعتباری کافی در قبال تعهدات طرف‌های معامله و نقش سیستم بانکی در تجارت بین‌المللی و داخلی اشاره کرده و ضمن بررسی قوانین بین‌المللی پرداخت، استفاده از شیوه پرداخت بروات اسنادی در مراودات تجاری پیشنهاد گردیده و به ماهیت حقوقی این روش پرداخته است.

چارچوب مفهومی

سیاست اقتصادی، اقدامات و برنامه‌هایی است که دولت‌ها در خصوص اقتصاد انجام می‌دهند یا قصد انجام آن‌ها را دارند. با در نظر گرفتن نظام اقتصاد بین‌الملل امروز که از ویژگی‌هایی جهان‌شمول برخوردار است دغدغه دولت‌ها از مسائل امنیتی و سیاسی به مسائل اقتصادی و مشخصاً به سهم شدن در بازارهای تولید، تجارت و سرمایه جهانی یا به تعبیری به فتح بازارها نیز تغییر کرده است. از مهم‌ترین نشانه‌های این تحول کارکردی دولت‌ها در نظام اقتصاد سیاسی جهانی، در گذار از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی اقتصادی به عنوان ابزار نوین و کارآمد تعامل در اقتصاد جهانی و دستیابی به توسعه به چشم می‌خورد (باقری و همکاران،

۳۵:۱۳۹۶). اقتصاد سیاسی بین‌المللی مطالعه آن دسته از موضوعات و مسایل بین‌المللی است که نمی‌توانند به شکلی مطلوب تنها از طریق تحلیل‌های یکی از رشته‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد مورد بررسی قرار گیرند. بخش اعظم مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی بر روی تعامل دو نهاد اجتماعی بسیار مهم دولت و بازار و ماهیت تعامل آن‌ها در درون سیستم جهانی تمرکز دارد. اقتصاد سیاسی بین‌المللی شبکه‌ای از چانه‌زنی بین و درون دولت‌ها و بازار است. این چانه‌زنی است که تعیین‌کننده تولید، مبادله و توزیع ثروت و قدرت است که می‌تواند اشکالی از توافقات رسمی، امضا شده، تصویب شده و اجرا شده و سایر معاهدات، ادراکات و یا قانون سلطه به خود بگیرد (رضایی و ترابی، ۱۳۹۰: ۵). هدف دیپلماسی اقتصادی رسیدن به رشد اقتصادی است به عبارتی رشد اقتصادی یعنی افزایش مادی کل درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی یک جامعه طی یک دوره معین که در مفهوم کلی افزایش کمی تولید در یک دوره مشخص نسبت به دوره مشابه را رشد اقتصادی می‌گویند. الگوهای رشد اقتصادی نیز نظریاتی هستند که برای تفسیر و توضیح واقعیت‌های مشاهده شده در زمینه رشد در سطح جهانی ارائه شده‌اند. برخی از مهم‌ترین این واقعیات، عبارت‌اند از: وجود اختلاف زیاد در درآمدهای سرانه اقتصاد کشورهای، تفاوت زیاد نرخ‌های رشد در میان کشورهای، ثابت نبودن نرخ‌های رشد در طول زمان، ارتباط نزدیک رشد تولید با رشد حجم تجارت جهانی و کم بودن نرخ رشد کشورهای فقیر (عزتی و سلمانی، ۱۳۹۴: ۸۰). باید گفت در دهه‌های اخیر، مفهوم منطقه و منطقه‌گرایی تا حد زیادی با رویکردهای اقتصادی تحلیل شده است. در این رویکرد، کشورهای مختلف هر قاره، با تغییر قوانین تجاری و وضع ترتیبات نوین اقتصادی و سیاسی، نوعی محدوده اقتصادی ویژه ایجاد کرده و نام سازمان و بعضاً منطقه را بر آن نهاده‌اند. این گروه‌بندی‌های اقتصادی، در قاره‌های پنج‌گانه جهان وجود دارد (مختاری و آدمی، ۲۱۰:۱۳۹۶). دیپلماسی اقتصادی بین‌المللی ابزاری جهت دست‌یابی به همکاری‌های بین‌المللی دو و چندجانبه است.

تقویت اقتصاد با تقویت تولید

در علم اقتصاد «جهش تولید» به معنای خلق ثروت و درآمد تعریف شده است؛ اما مفهوم جهش به معنای افزایش توان علمی، فنی، صنعتی، نوآوری، مدیریتی، فرهنگی، قانونی و حقوقی برای رسیدن به افزایش تولید و کاهش فاصله با کشورهای پیشرو و با رشد حداقل هشت درصد است. ایجاد جهش در تولید و اقتصاد، دارای سوابق و تجربیات موفق و البته شکست در کشورهای تازه صنعتی شده در دنیاست. کشورهایی همچون ژاپن، کره جنوبی و چین، توفیقات قابل توجهی را در جهش در تولید کسب کرده و در بسیاری از حوزه‌های صنعتی، فاصله خود را با کشورهای پیشرو کاهش داده و در برخی موارد نیز، خود تبدیل به پیشتاز فناوری و صنعت شده‌اند. اگرچه تعریف واحدی نمی‌توان برای مفهوم «جهش تولید» ارائه کرد، اما عباراتی همچون (۱) تلاش برای کاهش فاصله علمی، فناوری و صنعتی با کشورهای پیشرو، (۲) نوآوری در صنعت و یافتن مسیرهای جدید و میانبر و (۳) تلاش برای کسب جایگاه پیشتاز در علم، فناوری و صنعت در صحنه بین‌المللی را می‌توان تعاریف قابل قبول از این مفهوم معرفی کرد (باباخان، ۱۳۹۹).

توجه به مسئله جهش تولید منجر به آن شده است که راهبرد برون‌گرایی توسعه صادرات به تبیین ضرورت‌های رابطه بین سیاست خارجی و توسعه در چارچوب اقتصاد سیاسی جهانی از طریق دیپلماسی راهگشای اقتصادی توجه کند. پیش‌نیازها و الزامات تقویت تولید داخلی عبارت است از:

الف. تغییر نگرش

برای هر تغییری ابتدا باید تغییر نگرش را در دستور کارمان قرار دهیم. تا زمانی که نگرش و دیدگاه ما برای جهش تولید مناسب نباشد اهداف به نتیجه نخواهد رسید. مدیران با الگو گرفتن از شخصیت‌های علمی و اقتصادی و تجربه سایر کشورهای موفق به تغییر نگرش‌ها در موارد زیر توجه کنند:

- ۱- تغییر نگرش در انتخاب و انتصاب مدیران (شامل دولت، بخش خصوصی و بخش عمومی)
- ۲- تغییر نگرش و تجدیدنظر در روابط بین الملل
- ۳- احیای اعتماد ملی و بین المللی برای کالاهای ایرانی
- ۴- تغییر نگاه به سرمایه گذار و ثروتمند
- ۵- تغییر نگرش در ارائه مشوق های اقتصادی و مالی
- ۶- تغییر نگرش نظام مالیاتی، تامین اجتماعی و حاکمیت به تنگناهای اقتصادی و تولیدی و مشوق های اقتصادی
- ۷- تغییر نگرش و اعتقاد به قانون بازار به عنوان ایجاد کننده شرایط برابر رقابت برای همه
- ۸- تغییر نگرش در انتخاب تکنولوژی
- ۹- تغییر نگرش در وضع قوانین و مقررات پیشرو تولید (عیاررضایی، ۱۳۹۹).

ب. اصلاح ساختارهای سازگار

رابطه ساختار با کارگزار در داخل کشور و تعامل با بیرون با خارج بسیار مهم است. در داخل این موارد شامل:

- ۱- احیای اعتماد داخلی: اعتماد به صنایع و تولیدات کشور و همچنین اعتمادسازی برای شرکای منطقه ای و بین المللی خارجی برای استفاده از کالاهای ایرانی.
- ۲- انسجام مدیریتی و سیستمی: برای پذیرش نسل چهار تکنولوژی و اجبار و تشویق شرکت های تولیدی و خدماتی برای پذیرش الزامات نسل چهار تکنولوژی و حرکت به سوی آن (حدود ۷۰ درصد صنایع داخلی با تکنولوژی نسل دوم کار می کنند که بهره وری، کیفیت و توانایی تولید بسیار پایین و قیمت تمام شده بالا و گران دارد و در نتیجه جز بدهی، کیفیت پایین، عدم شرایط رقابت و نهایتاً امکان ادامه تولید در آینده را نخواهند داشت که خود مانع جهش تولید است). بنابراین جایگزینی حداقل نسل سوم و نسل چهارم تکنولوژی، هم در بخش سخت افزاری و هم نرم افزاری لازم است.

۳- تقویت سیستم‌های حقوقی- تجاری: سیستم حقوقی - تجاری و ایجاد ساختارهایی که نیاز اقتصاد به نقدینگی را کاهش و روان‌سازی کارها را تضمین کند.

۴- ارائه برنامه‌های استراتژیک عملی برای چشم‌انداز.

۵- اجرای قانون و تصمیم‌ها

۶- عدم مداخلات دولت در اقتصاد و تمکین از قانون بازار

و در خارج عبارت است از:

۱- اصلاح روابط خارجی و اعتقاد به اصول بین‌المللی: جهت رشد اقتصادی. به معنای دیگر باز تعریف مجدد از دیپلماسی اقتصادی همچون تجربه چین با حفظ ایدئولوژی انجام داد.

۲- ارتقای شاخص آزادی اقتصادی: ایران در سال ۲۰۱۸ در رتبه ۱۵۵ بوده است. حتی اگر تحریم‌ها هم وجود نداشت، جذب سرمایه‌گذاری آسان نخواهد بود.

۳- رفع تحریم‌ها

۴- حضور فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (mahansirjan, 1400).

نقش دیپلماسی اقتصادی در تقویت تولید داخلی

ساختار اقتصادی ایران علیرغم برخورداری از شرایط بالقوه، فاقد پویایی، تحرک و انعطاف‌پذیری لازم است. از این رو مهم‌ترین عامل رونق اقتصادی یا ارتقاء منزلت ایران در اقتصاد جهانی، نگاهی برون‌گرایانه باهدف پیوند سنجیده و کارآمد با اقتصاد جهانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. این امر افزون بر تغییر بینش نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و توجه آن‌ها به اهمیت عوامل اقتصادی در عصر حاضر و فراهم ساختن یا اصلاح ساختارهای قانونی، امنیتی و اعتباری اقتصاد ملی، مستلزم فعال شدن دیپلماسی اقتصادی است (حیدری و انعامی علمداری، ۱۳۹۱: ۴۷).

برخورداری از سیاست خارجی موفق اقتصادمحور ضمن پابندی به ارزش‌های آرمانی و ایدئولوژیک، مستلزم داشتن ضروریات و الزاماتی است که جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به جایگاه مهمش در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی و باهدف ارتقای این موقعیت در

عرصه نظام اقتصادی بین‌الملل، از آن برخوردار است و با مورد توجه قرار دادن آن در عرصه‌های ملی و فراملی می‌تواند روند دستیابی به اهداف را در حوزه مذکور تسهیل کند. این بایسته‌ها، در ابعاد بین‌المللی، شناخت تحولات ساختاری، درک صحیح منافع ملی سایر کشورهای طرف تعامل، شناخت بازارهای هدف و برنامه‌ریزی به منظور دسترسی به آن‌ها؛ و در ابعاد ملی، توجه به جایگاه ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک ایران، درک صحیح از منافع ملی کشور خود، هماهنگی میان دستگاه‌های سیاسی و اقتصادی، استفاده بهینه از قدرت نرم و فضا سازی برای حضور بخش خصوصی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی در ابعاد بین‌المللی می‌باشد (باقری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۴).

فعال شدن دیپلماسی اقتصادی مستلزم برخی راهکارهای اصولی است که باید در سیاست‌های اقتصاد بین‌الملل جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گیرند؛ از جمله:

- الف) بهره‌گیری مطلوب از ابزارهای اقتصادی در چانه‌زنی‌ها
- ب. حل مسایل و مشکلات موجود در روابط ایران و قدرت‌های بزرگ اقتصادی
- پ. گرایش بیشتر دیپلماسی ایران در خارج از کشور به مسایل اقتصادی و تجاری
- ت. تلاش دستگاه سیاست خارجی برای عملی ساختن طرح‌های اقتصادی و تجاری
- ث. تلاش دستگاه سیاست خارجی برای عملی ساختن طرح‌های اقتصادی و تجاری
- ث. برقراری ارتباط سازنده بین دستگاه سیاست خارجی و دستگاه‌های اقتصادی و تجاری (حیدری امینی و انعامی علمداری، ۱۳۹۱: ۴۷). در این راستا، جمهوری اسلامی ایران در عرصه دیپلماسی اقتصادی با محذوراتی روبرو است که مهم‌ترین آن عبارتند از: فراز و فرود در حوزه سیاست خارجی، اعمال فشارهای اقتصادی (تحریم‌ها)، تعریف نکردن روشن اهداف اقتصادی در عرصه سیاست خارجی، حرفه‌ای نبودن ساختار نهادی و دیوان سالار، اقتصاد تک محصولی و بی‌توجهی به دیپلماسی اقتصادی در حوزه سیاست خارجی (باقری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۷).

مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی

مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی شامل موارد زیر است:

الف) حاکمیت نگرش اقتصادی در سیاست خارجی: پذیرش نگاه اقتصادی و محور قرار دادن اقتصاد در تحولات نظام اقتصاد سیاسی جهانی از جمله الزامات تعامل با جهان است. حاکمیت نگرش اقتصادی منافع جدیدی در منطقه و جهان در پرتو استفاده از فرصت‌ها و خلق فرصت‌های جدید برای کشور به دنبال خواهد داشت.

ب) سیاست‌گذاری سیاست خارجی با مرکزیت اقتصاد: در صورت توجه به این مؤلفه اساسی فرصت برای استفاده و بهره‌گیری از سرمایه و تکنولوژی خارجی، جذب سرمایه‌های خارجی، دستیابی به بازار گسترده جهانی، کاهش بسیاری از هزینه‌های تولید فراهم خواهد شد.

پ) پیوند دادن اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی: دیپلماسی اقتصادی مانع از تقلیل ایده و کارکرد اقتصاد به درون جامعه ملی خواهد شد و از سوی دیگر زمینه حضور در بازارهای جهانی، استفاده از قواعد و هنجارها و روش‌های نوین در زمینه‌های اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی، تجارت الکترونیکی، انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری و فعالیت در مجامع اقتصادی بین‌المللی را موجب خواهد شد.

ت) وابستگی متقابل اقتصاد و سیاست: ساختار نظام اقتصاد سیاسی جهان بر سازوکارهای تدوین و اجرای سیاست خارجی و مسائل و مباحث داخلی به طور شگرفی تحت تأثیر قرار داده و فرایندهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی به‌ویژه اقتصادی در سطح ملی و فراملی را به هم مرتبط کرده است (امینی و انعامی علمداری، ۱۳۸۸: ۱۵۶).

موانع و محدودیت‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

اقتصاد ایران دارای ظرفیت‌های بالایی بوده و به لحاظ موقعیت جغرافیایی در موقعیت ویژه‌ای قرار گرفته است. ایران از ظرفیت ترانزیتی بالایی برخوردار است و میتواند پل ارتباطی میان آسیا و اروپا را برقرار سازد زیرا یکی از کوتاه‌ترین مسیرها در زمینه ارتباط بین آسیای میانه و

اروپاست. همچنین ایران دارای ظرفیت بالایی به لحاظ تنوع آب و هوایی است. تنوع آب و هوایی در ایران باعث شده است تا ایران به لحاظ موقعیت توریستی شرایط ویژه‌ای داشته باشد. یکی از دیگر ظرفیتها و مزیت‌های اقتصاد ایران، نیروی کار جوان و تحصیلکرده است. سرمایه‌گذاری بر روی تحصیلات عالی و تحصیلات تکمیلی طی سالهای پس از انقلاب باعث شده تا نیروی کار جوان و تحصیلکرده زیادی در حال حاضر در بازار کار فعال باشد که این موضوع هم یک فرصت و هم یک چالش محسوب می‌شود، اما به‌طور کلی وجود نیروی کار جوان و تحصیلکرده یک فرصت است که در حال حاضر کشور ما میتواند از آن بهره‌برداری کند (ارسلان بد و بشارت، ۱۳۹۹: ۱۱۶). با این حال، دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مسیر تحقق اهداف خود با چالش‌ها و موانع جدی داخلی و خارجی نیز روبرو بوده است. در این بخش به مهم‌ترین این چالش‌ها اشاره می‌گردد.

الف) موانع و محدودیت‌های خارجی دیپلماسی اقتصادی ایران

از منظر اقتصاد سیاسی، تحریم اقتصادی یکی از ابزارهای کنترل کشورهایی است که در راستای منافع اقتصادی و سیاسی کشورهای سلطه‌گر رفتار نمی‌کنند. در واقع، تجارت خارجی به عنوان اهرم تنبیه یک کشور بدون استفاده از نیروی نظامی به کار می‌رود (رهبر و همکاران، ۱۳۹۶: ۸). اثرات رفاهی تحریم‌های تجاری علاوه بر کاهش تابع عرضه و تقاضای داخلی برای صادرات و واردات کشور هدف، به تغییر در مقدار واردات و صادرات کاهش یافته بر اثر اعمال تحریم‌ها نیز بستگی دارد. معمولاً تحریم‌ها توسط همه شرکای تجاری اعمال نشده و تمام کالاهای تجاری کشور هدف را نیز پوشش نمی‌دهد؛ بنابراین، ممکن است تحریم‌ها به خودکفایی کشور هدف ختم شده و در کل، اثر تحریم‌ها به سهم تجاری کشور هدف به بقیه جهان بستگی دارد. معمولاً چند کشور وجود دارند که کالاهای تجاری کشور هدف را تولید کرده و منبعی جایگزین برای تقاضای واردات کشور تحریم شده محسوب می‌شوند که کشور هدف می‌تواند با کمی هزینه بیشتر، کالای موردنیاز را وارد کند؛ به همین دلیل، تحریم‌های یک‌جانبه به احتمال زیاد خسارت کمتری به کشور

هدف وارد می‌کنند (کازرونی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰). از طرفی گفت‌وگوهای کلان حاکم بر ساختار اقتصاد سیاسی ایران تولید برای بازارهای جهانی و تبدیل شدن به بازیگری فعال در عرصه اقتصاد سیاسی جهانی است. طبیعتاً دستیابی به این راهبرد سلسله الزاماتی را برای تک‌تک نهادها و حلقه‌های تصمیم‌گیری کشور ایجاد می‌کند. مهم‌ترین این نهادها که به طور مستمر با کانون‌های سیاسی اقتصادی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ارتباط دارند، دستگاه‌های دیپلماسی، بخش خصوصی و حوزه اقتصادی دولت هستند؛ بنابراین، تبیین رابطه بین دیپلماسی و پیشرفت اقتصادی در چارچوب اقتصاد سیاسی جهانی و از طریق سیاست خارجی ضروری است. در توضیح مطلب باید افزود که ایران شرایطی خاص دارد؛ زیرا اولاً کشور با موانع و چالش‌هایی برای ورود به بازارها و عرصه اقتصاد جهانی مواجه است و از سوی دیگر، دهه‌هاست در معرض سیاست‌های تحریمی غرب قرار دارد. از این‌رو، تعامل ایران با نظام اقتصاد جهانی در عین حال که ضرورتی آشکار است، پیچیدگی‌هایی نیز دارد که مدیریت دیپلماسی اقتصادی را به مقوله‌ای کاملاً حرفه‌ای و مهارت‌محور تبدیل می‌کند (باقری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۶).

ب) موانع و محدودیت‌های داخلی دیپلماسی اقتصادی ایران

اقتصاد دولت محور در برابر بخش خصوصی ضعیف؛ اولین و مهم‌ترین پیامد کارگزاری و کنترل دولت در شرکتها و مؤسسات دولتی خروج نظم اقتصادی از وضعیت رقابتی به وضعیت غیررقابتی و غیربازاری است. این وضعیت باعث می‌شود که اقتصاد غیررقابتی ایران به دلیل ناسازگاری و ناهمگنی با منطق اقتصاد جهانی، فرصت و امکان مشارکت مؤثر در آن را به دست نیاورد. مشکلات در قوانین و مقررات داخلی ناظر بر روابط اقتصادی خارجی؛ به باور بسیاری از فعالان و صاحب‌نظران اقتصادی، زیرساخت‌های اقتصاد ایران به خصوص در حوزه قوانین و مقررات برای پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی مناسب نیستند. تلقی وجود تقابل محیط اقتصادی داخلی و خارجی؛ تقابل میان دو دیدگاه کلی در کشور که یکی سیاست را به اقتصاد ترجیح می‌دهد و دیگری اقتصاد را به سیاست بر روند سرمایه‌گذاری خارجی و

تجارت خارجی ایران سایه افکنده و به تقابل ساختاری میان دو محیط داخل و خارج دامن زده است. در حالی که یکی از کارکردهای مهم دیپلماسی اقتصادی، نقش آن در تلاش برای افزایش مبادلات و همکاری‌های اقتصادی خارجی است (ر.ک سلیمانی پورلک، ۱۳۹۵). به علاوه نهاده‌سازی فرهنگ اقتصادی دلالتی و گسترش ناموزون شبکه‌ی خرده‌فروشی و واسطه‌گری در اقتصاد باعث کاهش قدرت تولیدی جامعه و سکون دیدگاه‌های مدیریتی که متکی بر انباشت سرمایه‌ی تولیدی و کارآفرینی معمولاً در بخش صنایع می‌باشد، گردید. البته امنیت قانونی برای فعالیت‌های واسطه‌گری و جناح سوداگر نفوذ نمایندگان آن‌ها به مراکز تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری فراهم شد (شیرزاد، ۱۳۹۲: ۱۹۰).

رویکرد دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

در نظام اقتصادی سیاسی جهانی بازارها، صنایع، شرکت‌ها و سازمان‌های اقتصادی ملی، بین‌المللی و فراملی کانون‌های اقتدار و اعمال‌کننده قدرت در جریان توسعه‌ی اقتصاد ملی و جهانی و تأثیرگذار بر روند تحولات سیاست بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. این امر ضرورت توجه به ایفای نقش آن‌ها در فرایند دیپلماسی اقتصادی بیش از گذشته آشکار می‌سازد. به عنوان مثال نقش و جایگاهی که نهادهایی همچون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی و یا حتی بازارهای پولی و مالی جهانی در مدیریت و هدایت فرایند سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند ضرورت ارتباط و گسترش تعاملات با آنان را از طریق دیپلماسی اقتصادی جهت بهره‌مندی از میزان تأثیرگذاری آنان در پیشبرد اهداف و منافع اقتصادی یا غیراقتصادی ملی ارتقاء بخشیده است و این امر سازگاری سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و یا حتی در بسیاری از موارد غیراقتصادی ملی کشورها با اهداف، اصول و برنامه‌های این بازیگران اقتصاد جهانی را در پی دارد (دانش‌نیا، ۱۳۹۱: ۸)؛ بنابراین دیپلماسی اقتصادی نه فقط با لحاظ نمودن محوریت اقتصاد جهانی در سیر تحولات و سیاست جهانی که منافع ملی را تحت تأثیر جدی قرار می‌دهند، شکل می‌گیرد، بلکه در عرصه داخلی نیز بیش از همه متأثر از قلمرو روابط و کانون‌های اقتصادی بازار است. به این معنا که عناصر

ناشی از موازنه نیروهای اقتصادی داخلی (صنایع تولیدی، بازار، سرمایه‌گذاران، کارگران، ارکان تجاری و غیره) و بازیگران قدرتمند نظام اقتصاد جهانی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاران خارجی، بازارهای پولی و مالی، شرکت‌ها و صنایع تولیدی بزرگ چندملیتی و فراملیتی) و همچنین نحوه توزیع مازاد درآمد ملی در قوام و هدایت دیپلماسی اقتصادی نقش کلیدی دارند. بدین ترتیب، مهم‌ترین واقعیتی که در فهم دیپلماسی اقتصادی می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد ضرورت توجه به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان دیپلماسی و اقتصاد و نقش گسترده و فزاینده آشکار اقتصاد در هدایت دیپلماسی است؛ بنابراین برای کسب موفقیت در نظام اقتصاد سیاسی جهانی اتخاذ یک دیپلماسی اقتصادی با ویژگی‌های زیر اجتناب‌ناپذیر است:

- الف. تقدم ملاحظات اقتصادی بر ملاحظات سیاسی، امنیتی در جهت تأمین منافع ملی.
- ب. درک و پذیرش تحولات اقتصادی جهانی و برنامه‌ریزی در جهت سازگاری بیشتر با آن.
- پ. تبدیل چالش‌ها و بحران‌های سیاسی و امنیتی به فرصت‌ها با محوریت بخشیدن به اهداف و فعالیت‌های اقتصادی.
- ت. بهره‌گیری هرچه بیشتر از ابزارها و توانایی‌های اقتصادی موجود در تعاملات دو جانبه و چندجانبه.
- ث. برقراری ارتباط با واحدهای اقتصادی و مالی جهانی و بهره‌گیری از قدرت آن‌ها در چانه‌زنی‌ها.
- ج. تلاش برای ایجاد نهادهای اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و برقراری ارتباط با نهادهای مشابه در مناطق دیگر.

حاکمیت منطق اقتصادی در سیاست خارجی، منافع جدیدی را در منطقه و جهان برای جمهوری اسلامی ایران پدید خواهد آورد و این منافع درهای جدیدی را بر روی کشور می‌گشاید در این راستا سیاست خارجی به شدت نیازمند هماهنگی و مشارکت بخش اقتصادی کشور است از همین رو تنها سیاست و امنیت نمی‌توانند ملاک‌های برنامه‌ریزی

سیاست خارجی باشند، بلکه اقتصاد نیز می‌بایستی جایگاه کلیدی خود را در سیاست خارجی پیدا کند (حیدری و انعامی علمداری، ۱۳۹۱: ۵۸).

سیاست نگاه به شرق در ج.ا. ایران از جمله سیاست‌های راهبردی است که باهدف توازن بخشیدن به مراودات سیاسی و اقتصادی با کشورهای غربی از یک سو و کشورهای آسیایی به‌ویژه شرق و جنوب شرقی آسیا از سوی دیگر، با توجه به امکانات بالقوه‌ی آنها اتخاذ شده است. به‌عبارتی دیگر نگاه به شرق در ایران عبارت است از رویکردی راهبردی به مناطق فراسوی مرزهای شرقی، جنوب شرقی و شمال شرقی ج.ا. ایران و تلاش برای تعمیق مناسبات همگرایانه با بازیگران حاضر در این مناطق به گونه‌ای که در راستای تأمین منافع و ارتقای ضریب امنیت ملی کشور توجه خاصی به مجرای همکاری و ائتلاف با آنان - چه از طریق تعامل دو جانبه و چه از طریق همکاری‌های جمعی در چارچوب نهادهای همگرایی منطقه‌ای - مبذول گردد. مناطقی که مد نظر راهبرد نگاه به شرق هستند شامل شرق آسیا، جنوب آسیا و جنوب شرقی آسیا به علاوه روسیه می‌باشند. باید گفت، موضوع روابط ایران و چین به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث محافل آکادمیک و پژوهشی کشور در سال‌های اخیر مطرح شده است. علت این امر نیز به جایگاه ویژه‌ای برمی‌گردد که چین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های گذشته کسب کرده است (اختیاری و صالحی، ۱۳۹۷: ۶۵).

تلاش ایران برای افزایش موقعیت و قدرت خویش در بازار جهانی نفت به دلیل افزایش فشارهای غرب با مشکل مواجه شده است. برای رفع موانع، ایران سعی کرده است با گسترش روابط با قدرت‌های آسیایی، جانشینی برای شرکای سنتی اروپایی خویش پیدا کند و در این میان، تلاش کرده است با استفاده از انرژی، روابطی مبتنی بر وابستگی متقابل را با کشورهایی مانند چین به وجود آورد و ارتباط را به ارتباطی راهبردی در بعد سیاسی

نیز تعمیم دهد، اما تغییر سیاست بین‌الملل پس از جنگ سرد و جهت‌گیری در سیاست خارجی کشورهای آسیایی به‌ویژه چین در خصوص روابط بین‌المللی سبب بروز وابستگی متقابل میان این کشورها با غرب به‌ویژه ایالات متحده شده است. برخلاف تصور، ایران کشوری است که در مقایسه با کشورهای اروپایی و ایالات متحده، فناوری و قدرت اقتصادی پایین‌تری دارد و برای تبدیل شدن به قدرتی جهانی باید همچنان در موضع صلح‌جویانه‌تری با غرب عمل کند. مشخص است که چین از وضع تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه در حوزه انرژی بر ایران خشنود نیست، اما نشان داده است که در این خصوص به برخورد یا بروز تنش با غرب نیز روی نمی‌آورد. چین سیاست تأمین منابع دیگر انرژی را در راستای امنیت انرژی خویش جستجو می‌کند و این نشان‌دهنده چشم‌اندازی نه‌چندان روشن در گسترش روابط میان ایران و چین در صورتی که ادامه سیاست خارجی فعلی ایران در ارتباط با غرب است. چین در حلقه کشورهای درآمده است که سیاست خارجی آنان بر پایه وابستگی متقابل در سطح بین‌المللی تنظیم شده است، در شرایطی که ایران همچنان در خارج از این حلقه قرار دارد (وجدی دستگردی و صالحیان دهکردی، ۱۳۹۷: ۹).

نتیجه گیری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه گذشته دچار یک تحول سخت افزاری (ساختاری) و نرم افزاری (اهداف و برنامه‌ها) در جهت برجسته تر شدن نقش و جایگاه اقتصاد در سیاست خارجی شده است. اگرچه این تغییر به پایداری و نهادینه سازی نقش عوامل اقتصادی در روابط خارجی ایران منجر نگردید، اما به عنوان میراث و تجربه‌ای انکارناپذیر، بستر لازم را برای پی گیری اهداف اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است. با این حال، علیرغم دستاوردهای قابل توجه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دولت روحانی، اقدامات انجام گرفته برای نهادینه کردن دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران در مقایسه با کشورهای پیشتاز در این عرصه کافی نبوده و در مسیر خود با موانع و چالش‌های جدی داخلی و خارجی مواجه بوده است. در عرصه داخلی، مشکلات ساختاری اقتصادی ناهماهنگی و بعضاً اتخاذ سیاست‌های موازی دستگاه‌ها از چالش‌های عمده‌ای هستند که امکان کارکرد موثر سیاست خارجی در فضایی آرام و به دور از تنش و اولویت بخشی به مسائل اقتصادی در روابط خارجی را مشکل می سازند. در عرصه خارجی نیز، چالش‌های مربوط به استمرار و تشدید سیاست‌های ضد ایرانی آمریکا، امنیتی سازی محیط کنشگری خارجی ایران و ادامه تنش‌ها در مناطق پیرامونی، سیاست خارجی ایران را آزار می دهند.

از سوی دیگر، با توجه به چالش‌های موجود در حوزه ساختار- کارگزاری دیپلماسی اقتصادی، تدوین راهبرد کلی دیپلماسی اقتصادی ایران باید به تغییر و بازبینی وظایف دستگاه دیپلماسی در دو عرصه بینش (فکر) و کنش (عمل) و بازتعریف وظایف دیپلمات‌ها منجر شود. در حوزه بینش، از آنجاکه اصولاً ساختار و رویکرد این وزارتخانه در طول چهار دهه پس از انقلاب بر محور غالب مسائل سیاسی و امنیتی شکل گرفته است، برای افزایش توجه به دیپلماسی اقتصادی می باید علاوه بر ساختار، ذهنیت سیاسی- امنیتی نهادینه شده در این وزارتخانه را نیز تغییر داد و نسبت به بازتعریف مفهوم و جایگاه دیپلماسی با توجه به اهمیت

روزافزون اقتصاد در سطح بین‌المللی و افزایش نقش بازیگران غیردولتی در تعاملات اقتصادی جهان اقدام کرد. در عرصه کنش نیز برای تحقق دیپلماسی اقتصادی، دیگر وظایف سنتی دستگاه دیپلماسی کفایت نمی‌کند و دیپلمات‌های کل‌گرا نمی‌توانند در دنیای پرشتاب امروز نقش خود را به‌خوبی ایفا کنند.

دیپلماسی اقتصادی نیازمند دستگاه دیپلماسی است که بتواند بین وظایف سنتی خود در ایجاد ارتباط دولت-دولت و پیشبرد اهداف سیاسی-امنیتی و وظایف جدید آن در عرصه روابط اقتصادی ارتباط و توازن برقرار کند.

علی‌رغم برخی تغییرات ساختاری در وزارت خارجه در جهت افزایش توجه به امور اقتصادی، این وزارتخانه از کمبود دیپلمات‌های اقتصادی حرف‌های یا دیپلمات‌های کل‌گرای آموزش‌دیده در زمینه مسائل اقتصادی رنج می‌برد. لذا به منظور تحقق هدف تغییر بینش و کنش در کارگزاران عرصه سیاست خارجی در جهت ارتقاء توجه به دیپلماسی اقتصادی، دو دسته از اقدامات در کوتاه مدت و بلند مدت متصور است:

در کوتاه مدت، بهترین اقدام استفاده از ساختار و بضاعت موجود دستگاه دیپلماسی است. برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه‌های اقتصادی، بازرگانی، انرژی و غیره می‌تواند تأمین‌کننده بخشی از نیازهای دستگاه دیپلماسی در حوزه دیپلماسی اقتصادی باشد.

در بلندمدت نیز وزارت امور خارجه باید به فکر جذب نیروهای جدید برای ترمیم کاستی‌های موجود در زمینه اجرای دیپلماسی اقتصادی باشد و برای رسیدگی به موضوعات متنوع و پیچیده عرصه اقتصاد سیاسی بین‌الملل دیپلمات‌های جدیدی تربیت کند تا در کادر رسمی این وزارتخانه میان دیپلمات‌های عمومی و دیپلمات‌های متخصص توازن برقرار شود.

منابع

- اختیاری امیری، رضا و صالحی خنار، محبوبه (۱۳۹۷). پیامدهای سیاسی-اقتصادی توسعه روابط ایران و چین در چارچوب سیاست نگاه به شرق (۱۳۸۴-۱۳۹۲). فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ۱۰، شماره ۴۰، صص ۶۳-۱۰۲.
- ارسلان بد، محمدرضا؛ بشارت، احسان (۱۳۹۹)، بررسی سیاست‌های توسعه اقتصادی کشور کره جنوبی و استفاده از آن برای برآورد الگوی تجربی رشد اقتصادی در کشور ایران، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۳۲-۱۰۴
- امینی، آرمین و انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۸). دیپلماسی و اقتصاد: الگوی مناسبات جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۸۴-۱۳۷۶. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۸
- امینی، آرمین و سهراب انعامی علمداری (۱۳۸۸)، دیپلماسی و اقتصاد: الگوی مناسبات جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۸۴-۱۳۷۶، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۸، پاییز
- باقری، حسین؛ سیف، اله مراد و شهبازی، نجفعلی (۱۳۹۶) الگوی پیشنهادی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در راستای عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی. فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۰، شماره ۳۴، صص ۳۵-۶۴.
- حیدری، محمد؛ انعامی علمداری، سهراب (۱۳۹۱)، دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی سال هشتم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۱، صص ۶۱-۳۹
- دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۱). دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه‌گرا؛ ابزارهای موفقیت راهبرد توسعه‌ای ج.ا.ا. در اقتصاد جهانی. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۹، صص ۶۷-۸۶

رضایی، علیرضا و ترابی، قاسم (۱۳۹۰). اقتصاد سیاسی بین‌الملل در تئوری و عمل: مطالعه موردی تعامل اقتصادی چین و آمریکا. فصلنامه مطالعات اقتصادی، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۱-۳۲.

رهبر، فرهاد؛ دهقان، نبی‌اله؛ سیف، اله مراد؛ آل اسحاق، یحیی، فرج‌الله زاده، محمد (۱۳۹۶). الگوی پارادایمی مقابله با تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفت‌وگو امام و رهبری. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال ۱، شماره ۴، صص ۷-۳۵.

سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۹۵). چالش‌ها و ضرورت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و الزامات آن در حوزه سیاست خارجی. فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۳، شماره ۸۸، صص ۳۲۵-۳۵۸.

شیرزاد، حمیدرضا (۱۳۹۲). تاثیر جهانی شدن نئولیبرال بر دولت تحصیلدار (راننیر) جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد سیاسی بین‌المللی. پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۱۶۷-۲۰۷.

عزتی، مرتضی و سلمانی، یونس (۱۳۹۴). برآورد اثر تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۱۸، شماره ۶۷، صص ۱۰۱-۶۹.

کازرونی، سید علیرضا؛ اصغر پور، حسین و خضری، اوین (۱۳۹۵). بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر ترکیب شرکای عمده‌ی تجاری ایران را طی دوره ۱۳۷۱-۱۳۹۲. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۷۹، صص ۱-۳۳.

کریمی، لیلا (۱۳۹۹). راهکار برون‌رفت از رکود اقتصادی پسا کرونا در سال جهش تولید. سومین کنفرانس بین‌المللی ترفندهای مدرن مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری با رویکرد رشد کسب و کارها.

مختاری، مجید و آدمی، علی (۱۳۹۶). الزامات اقتصادی توسعه روابط ایران و عمان. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره ۲۳، صص ۲۰۷-۲۳۲.

نوری یوشانلوئی، جعفر و اخوان طباطبایی، سیده نازنین (۱۳۹۷) نقد موانع بین‌المللی و ملی حمایت از تولید داخلی و راهکارهای حقوقی آن، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۱۸، شماره ۵، صص ۳۷۵-۳۹۳.

وجدی دستگردی، زهرا و صالحیان دهکردی، حسین (۱۳۹۷)، بررسی حضور چین در خلیج فارس از منظر سیاسی و اقتصادی با تأکید بر روابط چین و ایران، همایش جامعه علمی ایرانیان مقیم چین، بررسی فرایندها و دستاوردهای توسعه در چین

نیازهای جهش تولید الزامات و پیش: mahansirjan. (1400). Retrieved from shorturl.at/dviQV

هاجش تولید؛ معنا، مراحل و سیاست: ع. باباخان، (1399, 07 01). Retrieved from <https://www.farsnews.ir/news/13990107000059>

نیازهای جهش تولید الزامات و پیش: ب. عیار رضا یی (1399, 02 16). Retrieved from <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3651097>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی